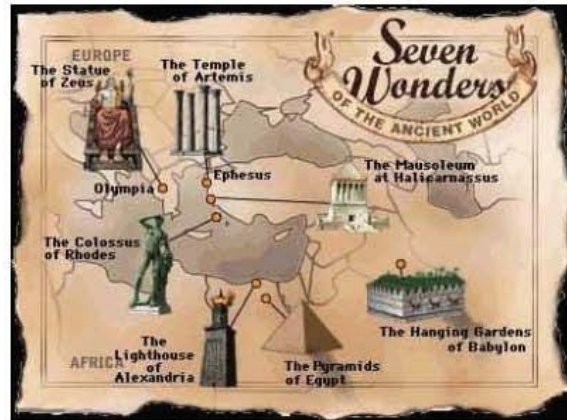


## عجایب هفتگانه

### چرا عجایب هفتگانه؟



شگفتی های هفتگانه ی جهان ، نام آورترین و بزرگترین اثرهای هنری و معماری روزگار باستان به شمار می آیند. نخستین کسی که درباره ی شگفتی های هفتگانه ی جهان ، کتاب نوشته ، نویسنده ی فنیقی « آنتیپاتروس » سیدونی (سده ی دوم پیش از میلاد) است. کتاب او به هر حال نه دارای دیدگاه فلسفی بوده و نه یک کتاب هنری محسوب میشده ؛ بلکه فقط راهنمای ساده ای برای سفر در عهد باستان بوده است .

«آنتیپاتروس» در سفرهایش — اگر خود به راستی به این سفرها رفته باشد و سخن دیگران را بازگو نکرده باشد — بیشتر راههای تجارتی معروف آن زمان دنیا را دنبال میکرد. او فقط یکی از عجایب هفتگانه را در یونان یافت: پیکره ی زئوس اثر فیدیا در المپیا. او در آسیای صغیر ، معبد آرمیس را در افسوس و آرامگاه شاه موزولوس پادشاه هالیکارناس را ؛ در جزیره ی رودس مجسمه ی غول پیکری را — که مجسمه ی هلیوس خدای خورشید بود — ، در آفریقا فانوس دریایی اسکندریه و هرم خنوپس در شهر گیزه ، و بالاخره در آسیای دور باغهای معلق ملکه سمیرامیس را در بابل توصیف کرد .

«آنتیپاتروس» در گزارشهایش به ساختمانهای معروفی که بسیار در دسترس بودند و به اصطلاح جلوی در خانه ی او بودند ، مثلاً ساختمان آکروپولیس در آتن ، اشاره ای نکرد. زیرا کتاب او به عنوان راهنمای سفر برای یونانیهای تحصیلکرده نوشته شده بود — و اینکه یکی از این یونانیها درباره ی آکروپولیس چیزی نداند و لازم باشد که توجه او را به این اثر جلب کرد ، در نظر آنتیپاتروس عجیب و باورنکردنی می نمود!

«آنتیپاتروس» همچنین تنها آن عجایی را در کتاب خود ثبت کرد که هنوز در آن زمان دیده میشدند. مثلاً برج بابل — که بدون تردید یکی دیگر از بناهای ساختمانی شگفت آور آن زمان بود — در دوران «آنتیپاتروس» در هم فرو ریخته بود و لذا جزو مناظر دیدنی شمرده نمیشد. او نمیخواست به مردمان عصر خود ویرانه ها را ارائه کند؛ یونانیهای عاشق هنر و زیبایی، خرابه ها و ویرانه ها را قابل تحسین و اعجاب انگیز نمیدانستند.

### چرا هفتگانه؟

نزد بسیاری از اقوام باستان، «هفت» عدد ویژه ای بود. در فلسفه و نجوم مصریان و بابلیها، عدد هفت به عنوان مجموع هر دو «عدد زندگی»، سه و چهار، جایگاه ویژه ای داشته پدر، مادر و فرزند، یعنی سه انسان، پایه و اساس زندگی هستند و عدد چهار، مجموع چهار جهت آسمان و باد است که از آنها باران زندگی را می بارد و کشتزارها را بارور میسازد. برای فیلسوف و ریاضیدان یونانی «فیثا غورث» که در سده ی ششم پیش از میلاد مسیح می زیست، عدد هفت، مفهوم ویژه ی خود را داشت که از مجموع دو عدد سه و چهار تشکیل میشد مثلث و مربع نزد ریاضیدانان عهد باستان، اشکال هندسی کامل به شمار می آمدند. از این روی عدد هفت به عنوان مجموع سه و چهار برای آنها عددی مقدس بود. یهودیان قدیم نیز برای عدد هفت، معنای ویژه ای قائل بودند: در کتاب اول عهد عتیق آمده است که خداوند، جهان را در شش روز پدید آورد و در روز هفتم «روز سبت» (روز شنبه که روز تعطیل یهودیان است)، خالق به استراحت پرداخت. موسی در ده فرمان خود از پیروانش میخواهد که این روز آرامش را مقدس بدانند. از آن زمان عدد هفت نزد یهودیان و بعدها نزد مسیحیان که عهد عتیق را قبول کردند، به عنوان عددی مقدس محسوب میشد. به این ترتیب بود که از دوران باستان، هفتگانه های بشمارای پدید آمدند یونانیان باستان همه ساله، هفت تن از بهترین هنر پیشگان نقشهای تراژدی و نیز نقشهای طنز و کمدی را انتخاب میکردند آنها مانند رومیهای باستان به هفت هنر احترام میگذاشتند. روم بر روی هفت تپه بنا شده بود. در تعلیمات کلیسای کاتولیک هفت گناه کبیره (غرور، آزمندی، بی عفتی، حسد، افراط، خشم و کاهلی) و هفت پیمان مقدس (غسل تعمید، تسلیم و تصدیق، تقدیس بلوغ، ازدواج، توبه، غسل پیش از مرگ با روغن مقدس، در آمدن به لباس روحانیون مسیحی) وجود دارد. برای پیروان محمد، آخرین مکان عروج، آسمان هفتم به شمار می آید.

در بیست و هفتم ژوئن هر سال (ششم تیر ماه) ، روز « هفت انسان خوانبیده » مسیحیان ، یاد آن هفت برادری را که در سال ۲۵۱ میلادی برای عقیده و ایمان خود زنده زنده لای دیوار نهاده و شهید شدند ، گرامی میدانند. مردم عامی میگویند که اگر در این روز ، باران ببارد ، به مدت هفت هفته پس از آن هوا بد خواهد بود ؛ آنگاه انسان باید هفت وسیله مورد نیازش را بسته بندی کند و با چکمه های هفت فرسخی خود به آن دورها سفر کند.

صورت فلکی خوشه ی پروین یا ثریا به عنوان « هفت ستاره » معروف است ، در حالی که حتی با چشم غیر مسلح میتوان در این صورت فلکی تا یازده ستاره را دید.

در افسانه ها نیز با هفت سحر آمیز روبرو میشویم: سوار ریش آبی ، هفت همسر داشت ؛ سفید برقی با هفت کوتوله پشت کوه زندگی میکرد ؛ در اسطوره های ایرانی ، رستم و اسفندیار از هفت خوان میگذرند و به همین ترتیب تعداد بیشماری هفتگانه در تمام دنیا وجود دارد .



### هرم خنویس



هرم ختوپس نزدیک گیزه ( در مصر ) که به نام مؤسس آن ، ختوپس فرعون مصر ( حدود ۲۵۵۱ تا ۲۵۲۸ پیش از میلاد مسیح ) نامیده میشود ، قدیمی ترین و تنها اثر باقیمانده از عجایب باستانی جهان است که تا حدودی حفظ شده و باقی مانده است .

این بنا بخاطر عظمت و شکوهی که دارد « هرم بزرگ » نیز نامیده میشود و در لیست عجایب جهان به عنوان نخستین اثر وارد شده است.

هرم ختوپس – بجز دیوار بزرگ چین – عظیمترین بنای ساختمانی است که توسط انسان بنا شده است. این هرم ۱۴۶/۶ متر ارتفاع دارد ، یعنی به بلندی تقریبی یک آسمانخراش ۵۰ طبقه .

بر زیر بنای آن که سطحی به ابعاد  $۲۳۰ \times ۲۳۰$  متر است ، میتوان پنج تا از بزرگترین کلیساهای جهان یعنی « پترزدام » در رم ، کلیسای « سنت پل » و « وست مینیسترایی » در لندن و همچنین کلیساهای « دم فلورانس » و « دم میلان » را یکجا و همزمان بنا کرد و از سنگهای به کار رفته برای ساخت « هرم ختوپس » میتوان مثلاً تمام کلیساهایی را که در قرن بیستم در آلمان ایجاد شده است ، بنا کرد.

دستور ساختن هرم را فرعون جوان « ختوپس » « فرعون لقب پادشاهان قدیم مصر بوده است ) بلافاصله پس از مرگ پدرش « سنو قرو » صادر کرد. « ختوپس » نیز به رسم تمام پیشینیان خود از زمان شاه « زو سر » ( که حدود سالهای ۲۶۰۹ تا ۲۵۹۰ پیش از میلاد حکومت میکرد ) میخواست در یک هرم به خاک سپرده شود. او هم مانند نیاکان خود در این آرزو به سر می برد که هرم او باز هم بزرگتر ، زیباتر و پرشکوهتر از تمام هرمهای فراعنه ی پیش از او باشد.





هرم خنوپس نزدیک گیزه ( در مصر ) که به نام مؤسس آن ، خنوپس فرعون مصر ( حدود ۲۵۵۱ تا ۲۵۲۸ پیش از میلاد مسیح ) نامیده میشود ، قدیمی ترین و تنها اثر باقیمانده از عجایب باستانی جهان است که تا حدودی حفظ شده و باقی مانده است .

این بنا بخاطر عظمت و شکوهی که دارد « هرم بزرگ » نیز نامیده میشود و در لیست عجایب جهان به عنوان نخستین اثر وارد شده است .

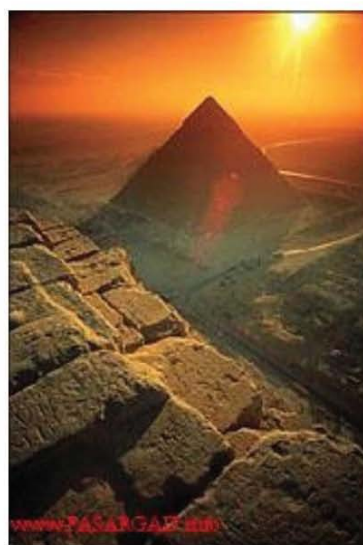
هرم خنوپس – بجز دیوار بزرگ چین – عظیمترین بنای ساختمانی است که توسط انسان بنا شده است. این هرم ۱۴۶/۶ متر ارتفاع دارد ، یعنی به بلندی تقریبی یک آسمانخراش ۵۰ طبقه .

بر زیر بنای آن که سطحی به ابعاد ۲۳۰ × ۲۳۰ متر است ، میتوان پنج تا از بزرگترین کلیساهای جهان یعنی « پترزدام » در رم ، کلیسای « سنت پل » و « وست مینیسترایی » در لندن و همچنین کلیساهای « دم فلورانس » و « دم میلان » را یکجا و همزمان بنا کرد و از سنگهای به کار رفته برای ساخت « هرم خنوپس » میتوان مثلاً تمام کلیساهایی را که در قرن بیستم در آلمان ایجاد شده است ، بنا کرد .

دستور ساختن هرم را فرعون جوان « خنوپس » « فرعون لقب پادشاهان قدیم مصر بوده است ) بلافاصله پس از مرگ پدرش « ستو فرو » صادر کرد. « خنوپس » نیز به رسم تمام پیشینیان خود از زمان شاه « زو سر » ( که حدود سالهای ۲۶۰۹ تا ۲۵۹۰ پیش از میلاد حکومت میکرد ) میخواست در یک هرم به خاک سپرده شود. او هم مانند نیاکان خود در این آرزو به سر می برد که هرم او باز هم بزرگتر ، زیباتر و پرشکوهرتر از تمام هرمهای فراعنه ی پیش از او باشد .



به هر حال قبل از اینکه نخستین قطعه از حدود دو میلیون قطعه سنگ آهک — که هرم با آنها ساخته شده است — از یک معدن سنگ آهک در ساحل شرقی رود نیل حمل شود، باید ابتدا کارهای مقدماتی مفصل و پیچیده ای به اجرا در می آمد. پیش از هر چیز باید زمینی مناسب برای محل ساختمان هرم جستجو میشد. این بنای غول آسا ۶۴۰۰۰۰۰ تن وزن دارد! بنابراین محل ساخت باید در زمینی که خاک آن سفت و سخت باشد، انتخاب میشد. در غیر این صورت، هرم در اثر وزن زیاد خود در زمین فرو میرفت. این مکان ساختمانی، در جنوب پایتخت امروزه ی مصر — قاهره — بر یک برآمدگی فلات گونه ی کوپری در هفت کیلومتری روستای گیزه پیدا شد. زمینی که سفت و صخره ای بود و میتواند وزن هرم را تحمل کند.



آنگاه سطح زیر بنای هرم صاف و هموار شد. برای این کار گردآگرد زمین زیر بنا، دیوار آب بندی شده ای از شن و سنگ ساخته شد. درون این چهار دیواری، شبکه ای از کانالهای متعدد عمود بر هم، تنگاتنگ و متصل به یکدیگر حفر گردید، به طوری که زمین زیر بنا مانند صفحه ی شطرنج بسیار بزرگی به نظر میرسید. این کانالها با آب پر شدند. ارتفاع سطح آب بر روی دیواره های کانالها علامتگذاری شد. آنگاه آب کانالها تخلیه شد. سنگ تراشها تمام زوائد و برجستگیهایی را که بالاتر از خطوط سطح آب بودند، تراشیده و صاف و هموار کردند. آنگاه درون کانالها دوباره پر شد و مسطح گردید. اکنون سطح زیر بنای هرم، آماده بود.



تنها برای انجام این کارهای مقدماتی ، حدود ۴۰۰۰ انسان — مشتمل بر هنرمندان ، معماران ، سنگتراشان و دیگر پیشه وران — حدود ۱۰ سال کار کردند. تنها پس از آن بود که کار اصلی ساختمان هرم آغاز شد. به گزارش تاریخ نگار بزرگ یونانی ، هرودوت (که از سال ۴۹۰ تا ۴۲۵ پیش از میلاد مسیح می زیست) ، ساخت این هرم ، ۲۰ سال دیگر طول کشید و تقریباً ۱۰۰۰۰۰ انسان در ساختن آرامگاه عظیم خنوپس کار کردند. تنها برای ترب ، پیاز و سبزی که برای پخت غذای کارگران خریداری میشد ، بنا به گزارش هرودوت ۱۶۰۰ « تالنت » یا به حساب امروزی ، بیش از ۱۰ میلیون دلار ، هزینه شده است.

امروزه بسیاری از پژوهشگران و باستان شناسان درباره ی آمار و ارقام مربوط به تعداد کارگران شک و تردید دارند. آنها عقیده دارند ، در کارگاه ساختمانی هرم ، برای این همه انسان ، جا و مکان کافی برای کار نبوده است ؛ آنها میگویند اگر بیش از ۸۰۰۰ کارگر در این کارگاه کار میکردند ، حتی با وجود کار منظم و برنامه ریزی شده ، در اثر تنگی جا ، مانع کار یکدیگر میشدند.





در زمان ساخت هرم ، مصر سرزمینی گروتمند بود. هر سال رود نیل از اواخر ماه ژوئن (اوایل تیر ماه) تا اواسط ماه نوامبر (اواخر آبان ماه) از بستر خود به بیرون جاری میشد و زمینهای کشاورزی دو طرف بستر خود را با قشر ضخیمی از گل و لای میپوشاند ، که زمین خشک کویری اطراف رود را به زمینهای بارور و حاصلخیز تبدیل میکرد. به این ترتیب در سالهای خوب و پر برکت تا سه بار محصول — شامل غلات ، میوه و انواع سبزی — برداشت میشد.

بنابراین از ماه تیر تا ماه آبان ، کشاورزان مصری به دلیل طغیان رود نیل نمیتوانستند در مزارع خود کار کنند. از این رو ، آنها هنگامی که هر سال در اواسط ماه ژوئن یک کارگزار دربار فرعون در روستاها پیدا میشد و در فهرستهای بزرگ ، نام کسانی را که میخواستند در ساختمان هرم کار کنند ، وارد میکرد ، بسیار خوشحال میشدند .

تقریباً همه تمایل به کار داشتند. پس این کار ، بیگاری نبود بلکه خدمتی داوطلبانه بود. برای این کار دو دلیل وجود داشت:

هر مردی که همکاری میکرد ، مادامی که به کار هرم مشغول بود ، مسکن ، لباس ، غذا و کمی دستمزد نیز دریافت میکرد ؛ پس از چهار ماه هنگامی که طغیان رود نیل فروکش میکرد و زمینهای کشاورزی اطراف رود ، آماده ی کشت میشد ، کشاورزان به روستاهای خود باز میگشتند.

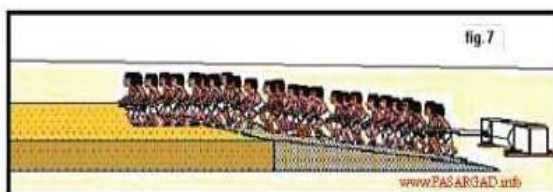


علاوه بر این ، برای هر مصری ، کار کردن در آرامگاه فرعون ، وظیفه ای بدیهی و مایه ی افتخار بود ؛ زیرا هر کس که در اجرای این وظیفه ی بزرگ کمک میکرد ، بر این باور بود که خود نیز تا حدودی در جاودانه نمودن شاه مظهر خدا سهم داشته است. به این ترتیب بود که همیشه در اواخر ماه ژوئن ، انبوه کشاورزان روانه ی روستای گیزه میشدند ، آنها در آنجا در اتاقهای موقتی که به شکل پادگان و سربازخانه در یک منطقه ساخته شده بود ، مسکن داده شده و به گروههای هشت نفری تقسیم میشدند.

کار میتوانست آغاز شود. این مردان بر کرجیها سوار میشدند و به طرف دیگر رود نیل می رفتند و سپس پیاده تا معادن سنگ



راه می پیموندند. در آنجا تخته سنگها را از کوه جدا ساخته و آن را با چکش، قلم، اره و مته بنا به مأموریتی که داشتند، به ارتفاع و پهناي بين ۸۰ سانتی متر و ۱۴۵ سانتی متر در می آورند.



هر گروه، تخته سنگ آماده شده ی خود را با کمک طناب و اهرم، به زور و مشقت بر سورتمه ای چوبی سوار میکردند و سپس آن را بر جاده ای که از الوار چوبی بنا شده بود، به ساحل رود نیل میکشیدند. قایقهای بادبانی، کارگران و سنگهای مکعبی را — که بعضی از آنها تا ۷/۵ تن وزن داشت — به ساحل مقابل حمل میکردند.

آنگاه تخته سنگ دوباره بر جاده های چوبی تا محل ساختمان کشیده میشد. چون در آن زمان هنوز دستگاهی مانند جرثقیل و بالابر اختراع نشده بود، اکنون مشکلترین قسمت کار آغاز میشد: سورتمه و تخته سنگ با کمک طناب و اهرم بر سطحی شیبدار به عرض ۲۰ متر که تا بالای هرم میرسید و از اجزهای گلی با گل و لجن ساحل رود نیل ساخته شده بود، به روی قسمتی از هرم که تا آن زمان آماده شده بود، کشیده میشد و در آنجا گروه، آن را با دقت میلیمتری در مکانی که استاد معمار تعیین و مشخص کرده بود، مستقر میکرد.

هر چه ارتفاع هرم، بلندتر میشد و بیشتر دل آسمان را میشکافت، طبیعی است که به همان نسبت سطح شیبدار طولانی تر و دارای شیب بیشتری میگردد و به همان نسبت سکوی بالایی که بر روی آن کار انجام میگرفت، کوچکتر میشد! بدین ترتیب، کار همواره مشکلتر میشد. آنگاه نوبت خطرناکترین کار رسید: تخته سنگ نوک هرم به نام «پیرامیدون» که هرمی شکل بوده و ۹ متر ارتفاع داشته، روی سطح شیبدار به بالا کشیده شد و در محل خود قرار داده شد!

تنها در انجام این کار چه تعداد از کارگران به کام مرگ رفتند، معلوم نیست!



به این ترتیب در مدت ۲۰ سال کار، هسته ی هرم به وجود آمد - که برجی متشکل از ۱۲۸ طبقه بود و ۴ متر از برجهای « کلیسای جامع اشتراسبورگ » بلندتر بود. در این زمان هرم خئوپس همانطور که ما آن را امروز می بینیم، به نظر می رسيد - یعنی به شکل یک کوه پلکانی. اما کار هنوز پایان نیافته بود؛ فواصل طبقات به نحوی با سنگ پر شد که هرم اکنون سطحی ناصاف ولی بدون لبه داشت. در پایان، چهار وجه مثلثی شکل خارجی هرم با صفحاتی از سنگ آهک صیقلی داده شده ی کاملاً سفید پوشانیده شد. لبه های این صفحات سنگی چنان دقیق کنار هم جفت شده بود که حتی لبه ی چاقو هم میان درز دو صفحه سنگی وارد نمیشد. تنها از فاصله ی چند متری، هرم به مانند یک کوه عظیم سنگی یکپارچه به نظر میرسید. صفحات خارجی با سختترین سنگ سنباده ها مانند آینه صیقل داده شده بودند. آرامگاه خئوپس - بنا به گزارش شاهدان عینی آن زمان - در نور خورشید و یا حتی زیر تابش نور ماه، به طرز اسرار آمیزی مانند قطعه ای کریستال بزرگ که از درون بدرخشد، برق میزده است!



«هرم خئوپس» تمام سنگی و توپر نیست. درون این ساختمان یک سیستم راهروهای پیچ در پیچ وجود دارد که از طریق یک کانال به طول ۴۷ متر - که موسوم به «گالری بزرگ» است - به اتاقی به طول ۱۰/۵ متر، عرض ۵/۳۰ متر و ارتفاع 80/5 متر موسوم به «شاه نشین» ختم میشود.

این اتاق بطور کامل با سنگ خارا پوشیده شده است. ولی دارای هیچگونه تزئین و آرایشی نیست. در این اتاق یک تابوت سنگی از سنگ خارا که درپوش ندارد، قرار گرفته است.

این تابوت سنگی باید هنگامی که هنوز هرم در حال ساختن بوده است، به این محل، حمل شده باشد؛ زیرا با ابعادی که دارد، قابل عبور از هیچ یک از راهروها نیست. چنین شاه نشینهایی تقریباً در تمامی اهرام موجود در مصر یافت شده اند. این مکان آخرین استراحتگاه فرعون بوده است.

پس از مرگ فرعون، جسد او که با دقت با مواد خوشبو کننده، آغشته و مومی شده بود، در شاه نشین دفن میشد. اصماء و احشاء که از درون جسد خارج شده بود، داخل محفظه هایی خالی از هوا موسوم به «کانوپ» گذاشته میشد و کنار تابوت سنگی در شاه نشین قرار میگرفت.

در حالی که به این طریق جسد فناشدنی فرعون به آرامگاه ابدی خود سپرده میشد، «کا» ی مرده آرامگاه را ترک میگفت. «کا» — که به اعتقاد مصریان آن زمان من دوم بود، نوعی تصویر منعکس شده ی انسان پنداشته میشد که به هنگام مرگ، بدن را ترک گفته و میتوانست آزادانه بین این دنیا و آن دنیا حرکت کند — این «کا» شاه نشین را ترک میکرد و بر روی پوسته ی خارجی هرم — که آنچنان صیقلی بود که هیچ موجود فانی نمیتوانست روی آن حرکت کند — تا نوک هرم بالا میرفت. در آنجا خدای خورشید، «رع» پدر فراعنه، در سفینه ی خورشید خود، منتظر بود که اکنون شاه مرده، سفر به ابدیت را با او آغاز کند.

در هر صورت این مسئله که آیا هرم بزرگ واقعاً آرامگاه ابدی فرعون خنوپس بوده است یا خیر، اخیراً مورد شک و تردید برخی از دانشمندان قرار گرفته است. آنها برای این شک و تردید خود سه دلیل می آورند:

\*شاه نشین برخلاف رسوم آن زمان کاملاً بدون آرایش و زینت است!

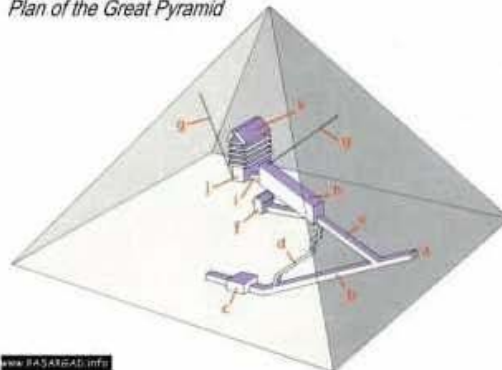
\*تابوت سنگی که باید جسد شاه مرده را در بر می گرفت، کاملاً صاف و صیقلی نشده و لذا ناتمام است؛ درپوش نیز وجود ندارد!

\*و بالاخره اینکه دو کانال هوای تنگ و باریک از شاه نشین از طریق روزنه های کوچکی به سطوح خارجی هرم و به



هوای آزاد ، راه دارد. درحالیکه مرده ها نیاز به هوا ندارند — که این نیز دلیل محکمی علیه این امر است که هرم ختوپس واقعاً آرامگاه فرعون ختوپس باشد.

Plan of the Great Pyramid



- Architectural plan of the pyramid of Khufu
- Entrance
  - Grounding chamber
  - Subground chamber
  - Service passage
  - Ascending passage
  - Queen's room
  - Air shaft
  - Grand Gallery
  - Antechamber
  - King's chamber
  - Weight relief chambers

بیش از ۳۵۰۰ سال ، درون هرم بزرگ از آسیب دست بشر مصون باقی ماند ، مصون و محفوظ به دلیل اینکه دربهای ورودی با دقت پوشانیده شده بودند و نیز به خاطر ترسی که وجود داشت. ترس از اینکه به اعتقاد مصریان ، مقبره های پادشاهان توسط ارواح محافظت و نگهداری میشوند ، که هر متجولوی را که به داخل هرم نفوذ میکرد ، به قتل میرسانیدند! به این ترتیب بود که قبر دزدها ابتدا قرن‌ها پس از ساختن اهرام به سراغ آنها آمدند.

ملمون خلیفه ی عباسی و پسر هارون الرشید (که از ۸۱۳ تا ۸۳۳ میلادی خلافت میکرد) ، نخستین کسی بود که به درون هرم ختوپس رفت .

او دستور داد تونلی تا اتاق شاه نشین (آرامگاه اصلی) حفر کنند ، به این امید که در آنجا ، به مانند تمام آرامگاههای شاهان دیگر ، گنجهای بزرگ و ثروت زیادی پیدا کند !! اما او هیچ چیز نیافت — هیچ چیز مگر لایه ای از فضله و مدفوع موشهای صحرائی بر روی دیوارها و کف آرامگاه به ضخامت ۲۸ سانتی متر که در آنجا لانه کرده بودند. به این ترتیب چویندگان گنج و قبر دزدها علاقه و توجه خود به هرم ختوپس را از دست دادند.

برای دزدان دیگر این گونه نبود: هنگامی که قسمتی از قاهره در سال ۱۱۶۸ میلادی (سال ۵۴۷ هجری شمسی) توسط اعراب به آتش کشیده و بطور کامل منهدم شد تا به دست چنگجویان صلیبی نیفتد ، مصریان به هنگام بازسازی شهر خود ، صفحات سنگ آهکی سفید و براق و صیقلی پوشش فوقانی هرم را کنده و به زیر کشیدند و از آنها برای ساختن خانه های نو استفاده کردند!!!





تندیس خویوس

امروزه هنوز هم این صفحات سنگی را میتوان در بسیاری از مساجد شهر قدیمی پیدا کرد! آنچه که از هرم باقی ماند ، فقط هسته ی میانی هرم به شکل پلکانی بود — که جهانگردان هنوز هم آن را به همان شکل و شمایل ، با دیده ی تحسین و اعجاب مینگرند.

سنگ یکپارچه ی نوک هرم « پیرامیدون » و همچنین سنگهای طبقات فوقانی هرم نیز قربانی این سنگ دزدیها شد! به همین دلیل امروزه این هرم دیگر ۱۴۶/۶ متر ارتفاع ندارد بلکه ارتفاع آن فقط ۱۳۷/۲۰ متر است. نوک هرم امروزه ، مربعی به ضلع ۱۰ متر است.

در سال ۱۸۴۲ میلادی (۱۲۲۱ هجری شمسی) بر این سکو ، جشن عجیبی برپا گردید: پادشاه وقت آلمان « فردریک ویلهلم چهارم » که عاشق هنر بود ، یک هیئت اکتشافی را به رهبری باستانشناسی به نام « ریچارد لسیوس » به دره ی نیل فرستاده بود تا کارهای هنری عتیقه و قدیمی مصری و دیگر اشیاء هنری ساخته شده را برای موزه ی تاریخ مصر که طرح ساخت و گشایش آن در برلین در حال اجرا بود ، جمع آوری و فراهم کند. (این موزه در سال ۱۸۵۵ میلادی افتتاح شد.